

دوازده روز زیر آتش: گزارش جامع از جنگ ایران و اسرائیل

۱۴۰۴/تیرماه/۰۶

خبرگزاری هرانا (Human Rights Activists News Agency) وابسته به مجموعه فعالان حقوق بشر
در ایران

[/https://www.hra-news.org/periodical/a-193](https://www.hra-news.org/periodical/a-193)

خبرگزاری هرانا – حملات هوایی گسترده اسرائیل به خاک ایران که از ۲۳ خرداد آغاز شد و ۱۲ روز به‌طول انجامید، دست‌کم ۵۶۶۵ تن تلفات از جمله ۱۱۹۰ کشته و ۴۴۷۵ زخمی بر جای گذاشت. حملاتی که ۲۸ استان کشور را درگیر کرد، به زیرساخت‌های حیاتی نظامی، غیرنظامی، درمانی و امدادی به‌شدت آسیب رساند و امنیت شهروندان را در سراسر کشور به چالش کشید. در این مدت ۱۵۹۶ تن نیز توسط نیروهای امنیتی حکومت ایران بازداشت شدند.

پیش‌درآمد

از ۲۳ خرداد تا ۳ تیر ۱۴۰۴، ایران صحنه‌ی یکی از شدیدترین درگیری‌های نظامی چند دهه‌ی اخیر بود. موج پیاپی حملات هوایی و موشکی اسرائیل، افزون بر زیرساخت‌های نظامی و راهبردی، بافت روزمره‌ی زندگی میلیون‌ها شهروند را مختل کرد: از قطع طولانی اینترنت و اختلال خدمات بانکی گرفته تا توقف بخش‌هایی از حمل‌ونقل عمومی و کاهش ظرفیت مراکز درمانی. این یورش‌های فشرده—که حتی چهره‌های برجسته علمی را هدف قرار داد—پرسش‌های جدی درباره‌ی رعایت اصول حقوق بشردوستانه برانگیخته و نگرانی‌های امنیتی کم‌سابقه‌ای پدید آورده است.

«خبرگزاری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران (هرانا)» با تکیه بر نزدیک به دو دهه تجربه مستندسازی در شرایط بحرانی، از نخستین ساعات مخاصمه پایش تلفات و خسارات را آغاز و به‌طور

مستمر داده‌ها را به‌روز کرد. گزارش جامع پیش‌رو، حاصل گردآوری و راستی‌آزمایی هزاران داده‌ی این دوازده روز است و تصویری مستند از ابعاد انسانی، اقتصادی و زیرساختی جنگ ارائه می‌کند— تصویری که عمق بحران و ضرورت فوری توجه جامعه جهانی برای حمایت از غیرنظامیان و بازسازی زیرساخت‌های آسیب‌دیده را برجسته می‌سازد.

شرح وقایع و سیر رویدادها

حوالی بامداد ۲۳ خرداد، نخستین موج موشک‌ها و پهپادهای اسرائیلی پایتخت و شمال کشور را بیدار کرد. همان روز سامانه‌های پدافندی در نقاط متعدد فعال شدند؛ حملاتی که به عمق سرزمینی ایران نفوذ کرد. یک روز بعد، دامنه حملات گسترده‌تر شد و نیروهای امدادی هلال‌احمر در سراسر کشور به حالت آماده‌باش درآمدند.

۲۵ خرداد، اهداف حیاتی حوزه انرژی در پایتخت شعله‌ور شد و بخش‌هایی از زیرساخت نظامی نیز آتش گرفت. هم‌زمان گزارش‌های متعددی از اصابت در مناطق مسکونی پایتخت منتشر شد.

یک روز بعد، دود از فراز ساختمان شیشه‌ای صداوسیما و یکی از بیمارستان‌های غرب کشور برخاست. اصابت به یک خودروی امدادی، ریسک فزاینده برای خدمات اضطراری را نمایان ساخت.

در پنجمین روز (۲۷ خرداد) چند منطقه تازه به فهرست اصابت‌ها افزوده شد. همان زمان، سخنگوی هلال‌احمر بدون ذکر جزئیات گفت «از ابتدای حملات تا کنون ۲۱ استان درگیر شده‌اند.»

۲۸ خرداد، پایتخت دوباره هدف موجی سنگین قرار گرفت و آتش تا برخی استان‌های مرکزی و شمالی پیش رفت.

پایان هفته نخست (۲۹ خرداد) با ضربه به زیرساخت‌های مرکزی کشور همراه شد؛ موج حملات هفت‌روزه تقریباً تمامی مناطق اصلی ایران را در بر گرفته بود.

در ۳۰ خرداد موشک‌ها بر استان‌های شمالی و ساحلی فرود آمدند. همان روز ارتش اسرائیل اعلام کرد از آغاز عملیات، ۷۲۰ حمله هوایی انجام داده است؛ رقمی که شتاب درگیری را عیان کرد.

روز نهم (۳۱ خرداد) مناطق کوهستانی مرکز کشور نیز در تیررس قرار گرفتند. گزارش‌های غیررسمی از گسترش حملات به بیش از دو سوم استان‌ها خبر می‌داد.

دهمین روز جنگ (اول تیر) پایتخت بار دیگر لرزید؛ همزمان سه مرکز هسته‌ای در مرکز کشور بمباران شد. استاندار پایتخت گفت طی ده روز «بیش از ۲۰۰ نقطه» در استان مورد هدف قرار گرفته است.

دوم تیر، حملات ادامه یافت و چند استان دیگر به جمع مناطق آسیب‌دیده پیوستند؛ پدافند هوایی پایتخت شبانه روشن ماند.

بامداد سوم تیر و پیش از اعلام رسمی آتش‌بس، چندین نقطه در پایتخت و استان‌های مجاور زیر آتش رفتند. تصویری که از دوازده روز نبرد بر جای ماند: تخریب گسترده زیرساخت‌های نظامی و غیرنظامی و تهدید مستمر شهروندان در سراسر کشور.

با فروکش کردن آژیرها، ایران و اسرائیل وارد مرحله تازه‌ای از سکوت شدند؛ اما ساکنان محله‌های آسیب‌دیده می‌دانند که پایان موشک‌ها، الزاماً پایان نگرانی نیست. در روزهای آینده، پرسش‌های اساسی درباره توان بازسازی، حفاظت از زیرساخت‌های حیاتی و سرنوشت شهرهای آسیب‌دیده، صدرِ خبرها خواهد ماند.

در مجموع استان‌هایی که مورد حمله قرار گرفتند یا پدافند هوایی آنها فعال شد عبارتند از:

تهران، اصفهان، آذربایجان شرقی، کرمانشاه، البرز، خوزستان، فارس، آذربایجان غربی، همدان، قم، گیلان، لرستان، خراسان رضوی، زنجان، بوشهر، مرکزی، کردستان، ایلام، قزوین، هرمزگان، مازندران، یزد، گلستان، سمنان، چهارمحال و بختیاری، کرمان، اردبیل، سیستان و بلوچستان

مهمترین شهرهایی که مورد حمله قرار گرفتند یا پدافند هوایی آنها فعال شد:

تهران، تبریز، اصفهان، کرمانشاه، شیراز، کرج، اهواز، قم، زنجان، بوشهر، مشهد، خرم آباد، قزوین، نجف آباد، اندیمشک، بندرعباس، رشت، نطنز، دزفول، یزد، شهرری، ملارد، همدان، شاهرود، ارومیه، نهاوند، ایلام، خمین، مراغه، گرگان، ابهر، اراک، گرمدره، بروجرد، رباط کریم، ری، ماهشهر، پاکدشت، آستانه اشرفیه، سنندج، سردشت، پرنده، مرند، شاهین شهر، ملایر، شهر قدس، نظرآباد، اسلامشهر، سقز، بابل، دهلران، فردو، مریوان، فردیس، اسلام آباد غرب، تویسرکان، بوکان، جوانرود، ساوه، بابلسر، سبزوار، اردستان، ورامین، بستان آباد، دماوند، سروآباد، ماهیدشت، ثلاث باباجانی، ملکشاهی، بندرانزلی، چالوس، شهرستان لنجان، زرندیه، شهرستان مبارکه، بندر سیراف، شهرضا، سهند، شهرکرد، لویزان، شهریار، اکبرآباد، شوشتر، ساوجبلاغ، اختیارآباد، تربت حیدریه، صحنه، بندر لنگه، خمینی شهر، نوشهر، خنداب، قدس، لواسان، رودهن، قشم، محمدشهر کرج، قصرشیرین، زاهدان، اشترینان، پلدختر، کنگان، آزادشهر، کاشان، مهاباد، اشنویه، نایین، کرمان، آبادان، اسدآباد، نقده، کنگاور، کهریزک، هرسین، پردیس، هویزه، روانسر، چالدران، لاهیجان، لنگرود.

تجهیزات نظامی و گستردگی حملات

طی دوازده روز درگیری‌ها، ارتش اسرائیل اعلام کرد که فقط در سه روز نخست بیش از ۷۲۰ حمله هوایی انجام داده و در مجموع بیش از ۶۰ نقطه را مورد هدف قرار داده است. این کشور در روز پنجم حملات مدعی شد طی سه موج جدید حمله، به دست کم ۴۰ هدف حمله کرده است.

در تحقیقات گروه‌های حقوق بشری موضوع تناسب در قوانین جنگ اهمیت ویژه‌ای دارد، این تناسب در ابعاد مختلف از جمله تناسب اهداف و سلاح‌ها نیز مهم است. بر اساس اطلاعات گردآوری شده از منابع معتبر، ارتش اسرائیل علاوه بر استفاده از بمب‌های نقطه‌زن، پهپادهای انتحاری و راکت‌های دوربرد از داخل ایران در حمله خود از سلاح‌های زیر بهره برده است:

۱. **Harop (هاروپ) – پهپاد انتحاری** : پهپاد انتحاری ساخت صنایع هوافضای اسرائیل (IAI) است که قادر است تا مدت طولانی در آسمان باقی بماند و با شناسایی اهدافی چون رادارها یا سامانه‌های پدافندی، خود را به آن‌ها بکوبد. در این عملیات برای کور کردن سامانه‌های راداری ایران به‌کار رفته است.
۲. **Harpy (هارپی) – پهپاد ضد رادار**: نوع قدیمی‌تری از پهپادهای ضد رادار است که به‌طور خودکار به دنبال سیگنال‌های راداری می‌گردد و به محض شناسایی، به آن حمله می‌کند. از این پهپاد برای انهدام رادارهای مستقر در سامانه‌های موشکی ایران استفاده شد.
۳. **F-35I Adir (آدیر) – جنگنده پنهان‌کار چندمنظوره**: نسخه سفارشی اسرائیلی از جنگنده نسل پنجمی F-35 آمریکا که با سامانه‌های بومی الکترونیکی تجهیز شده است. به دلیل قابلیت پنهانکاری، رهبری موج اول حملات را بر عهده داشت و اهدافی چون مراکز فرماندهی، سامانه‌های پدافند و تأسیسات هسته‌ای را هدف قرار داد.
۴. **F-15I Ra'am (رعام) – جنگنده تهاجمی دوربرد**: جنگنده‌ای دو موتوره با قابلیت حمل مقادیر زیاد تسلیحات سنگین که عمدتاً برای حمل بمب‌های سنگ‌رشکن مانند GBU-28 به‌کار رفت. این جنگنده در حمله به تأسیسات زیرزمینی ایران از جمله نطنز نقش کلیدی داشت.

۵. **F-16I Sufa (سופا) – جنگنده چندمنظوره:** نسخه ارتقاء یافته F-16D آمریکایی است که قابلیت پرواز

برد بلند و حمل تسلیحات هوشمند متعددی دارد. در این عملیات با حمل بمب‌هایی چون SPICE و JDAM به اهدافی مانند پایگاه‌های نظامی، سکوی موشکی و زیرساخت‌های ارتباطی حمله کرد.

۶. **Delilah (دلایلا) – موشک کروزر هواپایه:** موشک دوربردی است که می‌تواند در منطقه هدف پرواز

کند و منتظر شناسایی دقیق هدف باقی بماند. این قابلیت باعث می‌شود برای هدف قرار دادن تجهیزات متحرک یا پنهان‌شده مانند سامانه‌های رادار یا خودروهای فرماندهی مؤثر باشد.

۷. **Rampage (رمپیج) – موشک هواسطح مافوق صوت:** موشکی دقیق و سریع ساخت شرکت Elbit

Systems اسرائیل است که برای هدف قرار دادن زیرساخت‌های استراتژیک مانند پناهگاه‌ها، کارخانه‌های موشک‌سازی و انبارهای مهمات به‌کار می‌رود. سرعت زیاد آن موجب دشوار شدن رهگیری توسط پدافند می‌شود.

۸. **Blue Sparrow (بلو اسپارو) – موشک بالستیک پرتاب‌شونده از هوا:** در اصل یک موشک

آزمایشی برای شبیه‌سازی تهدیدات بالستیک بوده، اما شواهد میدانی نشان می‌دهد اسرائیل از آن به‌صورت عملیاتی برای هدف قرار دادن زیرساخت‌های استراتژیک استفاده کرده است.

۹. **LORA (لورا) – موشک بالستیک کوتاه‌برد:** موشکی زمین‌پایه با برد ۴۰۰ کیلومتر که برای هدف

قرار دادن اهداف ثابت با دقت بالا (کمتر از ۱۰ متر) طراحی شده است. در آغاز عملیات، اسرائیل از این موشک برای انهدام زیرساخت‌های کلیدی در غرب ایران استفاده کرد.

۱۰. **SPICE-1000/2000 – بمب هدایت‌شونده گلاید:** کیت‌های هدایت هوشمند هستند که بمب‌های سقوط

آزاد را به بمب‌های دقیق هدایت‌شونده با قابلیت قفل روی تصویر هدف تبدیل می‌کنند. در حمله به تاسیسات حساس ایران از این بمب‌ها استفاده گسترده شد.

۱۱. JDAM – بمب هدایت‌شونده با GPS: کیت‌های ساخت آمریکا هستند که به بمب‌های معمولی امکان

هدایت دقیق با GPS را می‌دهند. اسرائیل از انواع مختلف این بمب‌ها برای حمله به اهداف ثابت استفاده کرده است.

۱۲. GBU-39 SDB – بمب کوچک هدایت‌شونده: بمب‌هایی کوچک با دقت بالا هستند که به واسطه اندازه

کوچکشان قابلیت حمل همزمان چندین عدد در یک جنگنده را دارند. برای حمله به اهدافی با احتمال تلفات جانبی بالا مناسب‌اند.

۱۳. GBU-28 – بمب سنگ‌شکن: بمب ۵۰۰۰ پوندی با قابلیت نفوذ تا چندین متر در بتن مسلح و خاک

که برای هدف قرار دادن پناهگاه‌های زیرزمینی به‌کار می‌رود. در حمله به نطنز از این بمب‌ها استفاده شده است.

۱۴. Spike ATGM (اسپایک) – موشک ضد زره هدایت‌شونده: یک موشک ضد تانک پیشرفته ساخت

شرکت Rafael اسرائیل است که قابلیت شلیک و فراموشی (fire-and-forget) دارد. این موشک با

استفاده از هدایت تصویری و حرارتی، قادر است اهداف زرهی، خودروهای نظامی و حتی استحکامات

سبک را با دقت بالا هدف قرار دهد. در این عملیات از مدل‌های دوربرد آن برای نابودی خودروها و

ساختمان‌ها استفاده شده است.

۱۵. B-2 Spirit (اسپیریت) – بمب‌افکن رادارگریز استراتژیک: بمب‌افکنی ساخت نورثروپ گرومن با

برد بین‌قاره‌ای و ظرفیت حمل حدود ۲۳ تن مهمات هدایت‌شونده؛ مقطع راداری بسیار پایین آن امکان نفوذ

پنهانی به حریم هوایی ایران و رهاسازی مهمات سنگ‌شکن را فراهم کرد. در عملیات مشترک آمریکا با

اسرائیل، بی-۲ مأموریت انهدام سه تأسیسات هسته‌ای فردو، نطنز و اراک را بر عهده داشت و بمب‌های

GBU-57 را از ارتفاع بالا پرتاب کرد.

۱۶. GBU-57A/B MOP (ام‌اوی) - بمب سنگ‌شکن فوق‌سنگین: بمب ۳۰ هزار پوندی با توان نفوذ تا

بیش از ۶۰ متر در خاک و بتن مسلح، مجهز به هدایت اینرسیایی/GPS و طراحی شده برای تخریب پناهگاه‌های عمیق. این مهمات به‌طور انحصاری توسط بمب‌افکن B-2 حمل می‌شود و در ضربات اولیه به تاسیسات هسته‌ای ایران جهت از کار انداختن بخش‌های زیرزمینی حساس به‌کار رفت.

اختلال فراگیر در زندگی شهروندان

فرونشستن آتش جنگ، فرصتی فراهم آورد تا روایت‌های پراکنده‌ای را که طی دوازده روز درگیری به دست «هرانا» رسید، گردآوری و در یک تصویر جامع از «زندگی شهروندان زیر بمباران و اختلال» ارائه شود.

۱. فروپاشی زنجیره‌های مالی و دسترسی به وجوه

بانک‌ها نخستین قربانیان حملات سایبری و قطع گسترده اینترنت بودند. در دوره ای سقف برداشت نقدی در برخی شعب به یک میلیون تومان تقلیل یافت و دستگاه‌های خودپرداز، به‌ویژه در شهرهای مهاجرپذیر شمال کشور، خالی یا از کار افتاده بودند. هک هم‌زمان سامانه‌های بانک سپه، پاسارگاد و چند بانک خصوصی در روز ششم، شبکه پرداخت کارتی را برای ساعت‌ها مختل کرد. کسب‌وکارهای خرد اینترنتی—که پس از همه‌گیری کرونا ستون حیاتی معیشت هزاران خانواده شده بود—به دلیل قطع درگاه‌های بانکی و پلتفرم‌های ارسال کالا، ناگهان با «توقف فروش» مواجه شدند؛ بسیاری از مغازه‌داران بازار شوش و ناصرخسرو ترجیح دادند کرکره‌ها را پایین نگه دارند تا با ازدحام فاقد قدرت خرید روبه‌رو نشوند.

۲. حمل‌ونقل فلج، مهاجرت شتاب‌زده و سوداگری مسیرها

در تهران، افزایش ناگهانی قیمت سواری‌های بین‌شهری تا هشت میلیون تومان (برای مسیر تهران-گیلان) به نقل محافل بدل شد. رانندگان پراکنده در خطوط جنوب کشور، در برخی موارد مسیر بندرعباس-تهران را تنها در ازای پیش‌پرداخت دلاری می‌پذیرفتند. راه‌آهن جمهوری اسلامی، به دلیل حمله پهبادی به ایستگاه قم، چهار خط سراسری را متوقف کرد و صدها خانواده ساعتی را زیر سقف ایستگاه‌های خاموش و بی‌اعلام گذراندند. در خروجی‌های غربی پایتخت، خودروها در صف‌های چندکیلومتری سوخت در گرمای ۴۰ درجه، ناچار بودند کولرها را خاموش کنند؛ فصل مشترک روایت‌ها، ترکیبی از ازدحام، گرمزدگی و بنزین رو به اتمام بود.

۳. صف، جیره‌بندی و انفجار قیمت کالاهای اساسی

همزمان با بسته‌شدن شاهراه‌های تأمین کالا، ناوایی‌های شمال و شمال‌غرب کشور با صف‌های بیش از دویست نفره مواجه شدند. قیمت نان لواش در یک روستای قزوین به ۹ هزار تومان رسید—بیش از چهار برابر نرخ پیش از جنگ. روغن، شیرخشک و نوار بهداشتی در تهران و رشت جیره‌بندی شد. فروشندگان میوه‌تره‌بار مرکز شهر، از افت ۵۰ درصدی مشتری سخن می‌گفتند و مغازمداران کوچک خیابان پلیس ناچار بودند بخش عمده سبزی‌های روزانه را دور بریزند. در مقابل، مردم جنوب شهر با بازگشت به «بازار صف» و توزیع شربت و آب میان همسایگان کوشیدند فضای همبستگی را جایگزین وحشت کنند.

۴. گروه‌های آسیب‌پذیر زیر فشار مضاعف

— **سالمندان و بیماران مزمن:** رصدخانه داوطلبان شهروندی ثبت کرد که دست‌کم ۲۲ مورد مرگ بر اثر وقفه در دیالیز یا قطع برق دستگاه‌های اکسیژن خانگی رخ داد.

— **مغلولان و زنان سرپرست خانوار:** شبکه بهزیستی محلی در کرمانشاه اعلام کرد سهمیه ویلچر و لوازم کمکی‌اش در انبار حوالی فرودگاه خسروی سوخت و توزیع جایگزین به دلیل نبود سوخت حمل‌ونقل متوقف شد.

– **مهاجران افغان:** ده‌ها پیام از عدم پذیرش آنان در پناهگاه‌های عمومی تهران‌نو و لویزان حکایت داشت؛ سه خانواده افغان در ورودی فشافویه شب را در خودرو سپری کردند.

– **حیوانات خانگی و خیابانی:** تعطیلی کلینیک‌های دامپزشکی و گرانی خوراک، موج تازه‌ای از رهاسازی را به راه انداخت؛ گروه‌های مردمی در سعادت‌آباد «پناهگاه موقت پارک پرواز» را با ظرفیت سی قلاده سگ خودجوش ایجاد کردند.

۵. اجبار به کار در سایه انفجار

کارگران مناطق صنعتی ۱۸ و ۲۰ تهران با وجود هشدار تخلیه، به علت تهدید کارفرمایان مبنی بر «غیبت در شرایط جنگی»، ناچار به ادامه شیفت‌های ۲۴ ساعته شدند. شماری از کارگران ریخته‌گری قلعه‌مرغی پس از اصابت ترکش به سقف سالن، هشت ساعت را زیر ماشین‌آلات متوقف پناه گرفتند تا خطر آتش‌سوزی مهار شود. در ادارات دولتی، بخش‌نامه‌ای غیرعلنی از سازمان اداری-استخدامی، بازگشت حضوری کارمندان از سومین روز جنگ را الزام کرد؛ ویدئوهای داخلی نشان می‌داد کارمندان با کلاه ایمنی در راهروهای ساختمان مرکزی وزارت جهاد کشاورزی مستقر شده‌اند.

۶. حمله به زندان اوین و فروپاشی خدمات زندانیان

حمله موشکی روز دوم تیرماه به گیت ورودی و دادسرای اوین، شیشه‌های بندهای ۴ و زنان را فرو ریخت؛ سقف بهداری فرو ریخت و پزشک زندان، سید داوود شیروانی بروجنی، جان باخت. تلفن‌های سراسری زندان قطع شد و ملاقات‌ها تا آتش‌بس معلق ماند. خانواده‌ها که در مقابل زندان تهران بزرگ به صف ایستاده بودند، گزارش کردند که هیچ‌کس فهرست مجروحان یا انتقال‌یافتگان را اعلان نکرده است. سربازان وظیفه مستقر، در نخستین ساعات بی‌اطلاع از تعداد کشته‌ها بودند و بدنه زندان، به گفته یکی از مددکاران، «در تاریکی کامل و وحشت» فرو رفت.

۷. انزوای ارتباطی و تبعات روانی

سه موج قطع اینترنت، به اوج خود در ۲۸ خرداد رسید؛ خانواده‌های مهاجران بیرون کشور، در بی‌خبری مطلق از عزیزان خود به سر می‌بردند. روان‌شناسان میدانی گزارش کردند که تماس‌های کمک‌خواهی درباره حملات هراس (پانیک‌اتک) و اختلال خواب در سه برابر میانگین پیش از جنگ ثبت شده است. دانشجویان خوابگاه‌های امیرکبیر و تهران مرکز روایت کردند که «با کفش و لباس کامل» روی زمین می‌خوابیدند تا در لحظه هشدار، مهیای خروج باشند.

۸. کمبود اطلاع‌رسانی رسمی و انفجار شایعات

رسانه‌های دولتی عمدتاً به بازتاب عملیات نظامی بسنده کردند و دستورالعمل‌های پناه‌گیری یا مدیریت مواد غذایی به‌روز نشد. در فضای خلأ اطلاع‌رسانی، شایعه «آلودگی رادیولوژیک شرق تهران» و «آزمایش موشک حامل مواد شیمیایی اسرائیل» در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست شد و موجی از خروج اضطراری به سوی شمال کشور را دامن زد. کارشناسان رسانه می‌گویند انتشار تئوری‌های توطئه با افزایش سنجش‌ناپذیر «بازدید ناشناس لینک‌ها» همبستگی مستقیم داشت.

۹. مقاومت اجتماعی و شکل‌گیری شبکه‌های همیاری

در میانه ویرانی، شماری از ساکنان باقی‌مانده در تهران هشتگ #من_تهرانم را برای اعلام «حضور نمادین» به کار گرفتند؛ کافه‌داران محدوده ایرانشهر — با تنها محصول باقی‌مانده، پای سیب — چراغ‌های خود را روشن نگه داشتند تا «شهر احساس خالی بودن نکند». در جنوب، جوانان میدان خراسان شربت میان مردم پخش کردند. پلاکاردهای دست‌نویس در خیابان جردن با عبارت «وقتی برگشتید، حواستان به شیشه‌ها باشد» برای حفاظت از اموال غایبان نصب شد. این کنش‌های خودجوش، گرچه از نظر مادی ناچیز بود، نقشی کلیدی در مهار هراس و جایگزینی روایت «فرار» با «باقی‌ماندن و بازسازی» ایفا کرد.

تلفات انسانی دوازده‌روزه جنگ اسرائیل و ایران (۲۳ خرداد-۳ تیر ۱۴۰۴)

دوازده روز بمباران پی‌درپی، دست‌کم ۵۶۶۵ کشته و مجروح بر جای گذاشت؛ رقمی که بر پایه داده‌های میدانی «هرانا» و شبکه گسترده داوطلبان درمانی و محلی گردآوری شده است. این آمار شامل ۱۱۹۰ جان‌باخته و ۴۴۷۵ زخمی است و در ۲۸ استان ثبت شده؛ در حالی که وزارت بهداشت ظهر ۳ تیر مجموع تلفات را ۵,۳۵۶ نفر (۶۱۰ کشته و ۴,۷۴۶ مجروح) اعلام کرد.

سیر تصاعدی تلفات

- روز نخست (۲۳ خرداد) - حمله هم‌زمان به تهران، تبریز و کرمانشاه دست‌کم ۷۷۰ کشته و زخمی بر جای گذاشت؛ ۳۵ زن و کودک در میان کشته‌ها بودند.
- روز دوم - با رسیدن موشک‌ها به خرم‌آباد و اسدآباد، شمار کل تلفات به ۹۸۳ نفر رسید. نخستین گزارش از حمله به آمبولانس‌ها نیز در این روز ثبت شد.
- روز سوم - انفجارهای زنجیره‌ای در محله‌های نارمک و صابونچی تهران، مجموع قربانیان را از مرز ۱,۰۰۰ گذراند.
- روز چهارم تا ششم - بمباران متمرکز پایگاه‌های سپاه در قم، بروجرد و ستاد فراجا (تهران) موج تازه‌ای از تلفات نظامی ایجاد کرد؛ آمار زخمی‌ها و کشته‌شدگان تا پایان ۲۸ خرداد به ۱,۹۶۸ نفر رسید.
- پایان هفته اول (۲۹ خرداد) - هرانا در جمع‌بندی هفت‌روزه رقم ۲,۶۹۴ نفر را منتشر کرد؛ وزارت بهداشت همان روز از «پذیرش ۲,۵۰۰ مجروح» خبر داد ولی کشته‌شدگان را ذکر نکرد.
- روز هشتم و نهم - ادامه حمله به تأسیسات انرژی و بیمارستان‌ها، تلفات را به ۴,۲۶۱ نفر رساند؛ دولت برای نخستین بار اذعان کرد «۵۴ زن و کودک جان باخته‌اند».

▪ روز دهم (۱ تیر) - همزمان با ادامه حملات هوایی ارتش اسرائیل به چندین استان ایران، نیروی هوایی ایالات متحده، نطنز، اصفهان و فردو را بمباران کرد. تلفات کلی به ۴,۴۰۰ نفر افزایش یافت؛ هلال احمر کشته شدن سه امدادگر را تأیید کرد.

▪ روز یازدهم - تداوم حملات اسرائیل، عدد قربانیان را به ۴,۴۳۲ نفر رساند. حمله به زندان اوین، هدف قرار دادن آمبولانس نجف آباد و مرگ کودک پنج ساله اسدآبادی، از بارزترین وقایع روز بود.

▪ روز دوازدهم و آتش بس (۳ تیر) - آخرین موج پهبادهای اسرائیلی مناطقی از شرق تهران، اهواز و آستانه اشرفیه را هدف قرار داد. بر پایه داده های هوانا، شمار کل کشته شدگان و مجروحان به ۵۶۶۵ نفر رسید؛ این در حالی است که آمار رسمی دولت، ۵'۳۵۶ نفر اعلام شد.

ترکیب قربانیان بر پایه داده های هوانا

غیرنظامیان: ۴۳۶ کشته، ۲,۰۷۱ زخمی

نظامیان: ۴۳۵ کشته، ۲۵۶ زخمی

هویت نامعلوم: ۳۱۹ کشته، ۲,۱۴۸ زخمی

جمعیت های آسیب پذیر و اهداف حفاظتی

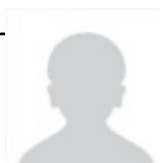
کودکان و زنان: دست کم ۶۵ کودک و ۴۹ زن (شامل دو زن باردار) جان باختند؛ ۲۷۰ کودک و زن زخمی شدند.

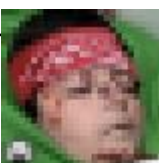
کادر درمان و امداد: پنج پزشک و چهار امدادگر کشته، دست کم ۴۹ نفر مجروح. ۹ آمبولانس و هفت بیمارستان هدف مستقیم یا ترکش قرار گرفتند. شش آمبولانس و یک بالگرد هلال احمر نیز در این میان آسیب دیدند.

زیرساخت های غیرنظامی: انهدام یا آسیب جدی به شش پایگاه اورژانس، دو پایگاه خدمات مادر و کودک.

جدول زیر هویت احراز شده تعدادی از کودکان زخمی شده یا جان باخته در حملات روزهای اخیر است.

اطلاعات هویتی بیشتری از کودکان آسیب دیده توسط هراانا در دست بررسی است.

تصاویر	محل و	هویت	سن	مجروح کشته تاریخ	شهر	استان	ردیف
	اماکن						
	خیابان محلاتی	امیر علی امینی	۱۲ ساله	۱ -	روز جمعه ۲۳	تهران	تهران 1
		خرداد					
	محله ستارخان	پرهام عباسی	۱۶ ساله	۱ -	روز جمعه ۲۳	تهران	تهران 2
		خرداد					
	-	-	۲ ساله	3 -	نامشخص (بازه نامشخص نامشخص		3
					زمانی ۲۳ تا		
					۲۴ خردادماه)		
	-	محیا (مهیا) نیکزاد	۱۰ ساله	۱ -	روز جمعه ۲۳	تهران	تهران 4
		خرداد					
	-	هیدا زینلی	-	۱ -	نامشخص (بازه تهران		تهران 5
					زمانی ۲۳ تا		
					۲۴ خردادماه)		

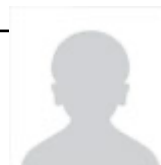
6	تهران	تهران	نامشخص (بازه تهران زمانی ۲۳ تا ۲۴ خردادماه)	1	-	-	آیدا زینلی	-	
7	تهران	تهران	روز جمعه ۲۳ خرداد	1	-	۹ ساله	باران اشراقی	-	
8	تهران	تهران	روز جمعه ۲۳ خرداد	1	-	۵ ساله	فاطمه ذاکریان	-	
9	تهران	تهران	روز جمعه ۲۳ خرداد	1	-	۷ ماهه	زهرا ذاکریان	-	
10	تهران	تهران	نامشخص (بازه تهران زمانی ۲۳ تا ۲۴ خردادماه)	1	-	۱۱ ساله	سهیل کطولی	-	
11	تهران	تهران	روز شنبه ۲۴ خردادماه	1	-	۱۷ ساله	سید حمیدرضا صدیقی صابر	محله ستارخان	

12	تهران	نامشخص (بازه تهران)	1	-	۳ ساله	-		
		زمانی ۲۳ تا ۲۶ خردادماه)						
13	تهران	نامشخص (بازه تهران)	1	-	۸ ساله	تارا حاجی	خیابان پاتریس لوموبا	
		زمانی ۲۳ تا ۲۶ خردادماه)				میری		
14	اصفهان	نجف آباد	روز شه شنبه	1	-	فاطمه شریفی ۱۳ ساله		
		۲۷ خردادماه						
15	اصفهان	نجف آباد	روز شه شنبه	1	-	۱۰ ساله	مجربی شریفی	
		۲۷ خردادماه						
16	تهران	تهران	روز جمعه ۲۳	1	-	۱۱ ساله	مطهره نیازمند	
		خرداد					چمران مسکونی	
17	تهران	تهران	روز جمعه ۲۳	1	-	۱۳ ساله	محدثه اقدسی	
		خرداد					چمران مسکونی	
18	تهران	تهران	روز جمعه ۲۳	1	-	۱۰ ساله	محمد رضا اقدسی	
		خرداد					چمران مسکونی	

19	تهران	تهران	روز جمعه ۲۳	1	-	۱۳ ساله	مرسانا	شهرک		مسکونی	بهرامی	خرداد
								چمران				
20	نامشخص	نامشخص	روز جمعه ۲۳	1	-	۸ ساله	محمد حسین	شهرک		مسکونی	خاکی	خرداد
								چمران				
21	تهران	تهران	روز جمعه ۲۳	1	-	۱۰ ساله	فاطمه	شهرک		مسکونی	نیازمند	خرداد
								چمران				
22	تهران	تهران	روز جمعه ۲۳	1	-	۱۲ ساله	علیرضا	شهرک		مسکونی	نیازمند	خرداد
								چمران				
23	تهران	تهران	روز جمعه ۲۳	1	-	۹ ساله	زهرا بهمن	شهرک		مسکونی	آبادی	خرداد
								چمران				
24	تهران	تهران	روز جمعه ۲۳	1	-	۵ ساله	هانیه بهمن	شهرک		مسکونی	آبادی	خرداد
								چمران				

25	تهران	تهران	روز جمعه ۲۳	1	-	محمدعلی ۲ ساله	شهرک مسکونی	
							بهمن آبادی	
							خرداد	
							چمران	
26	تهران	تهران	روز جمعه ۲۳	1	-	متین صفاییان ۱۶ ساله	تجربیش	
							خرداد	
27	تهران	تهران	نامشخص (بازه تهران	1	-	نامشخص	تهرانپارس -	
			زمانی ۲۳ تا					
			۲۶ خردادماه)					
28	تهران	تهران	نامشخص (بازه تهران	1	-	۲ ماهه	یاران -	
			زمانی ۲۳ تا				قاسمیان	
			۲۶ خردادماه)					
29	تهران	تهران	نامشخص (بازه نامشخص تهران	1	-	-	-	
			زمانی ۲۳ تا					
			۲۷ خردادماه)					
30	قم	قم	روز شنبه ۳۱	1	-	۱۶ ساله	احسان -	
			خرداد				قاسمی	
31	تهران	تهران	نامشخص (بازه نامشخص نامشخص	1	-	۱۰ ساله	فاطمه سادات -	
			زمانی ۲۳ تا				ساداتی	
			۳۰ خردادماه)					

منطقه	سید آرمین	۷ ساله	-	1	نامشخص	اندیمشک خوزستان	32
نظامی	موسوی				(حداقل ۲۹ تا ۳۰ خردادماه)		
دوکوهه							
-	هلنا غلامی	نامشخص	-	1	نامشخص (۲۳)	نامشخص لرستان	33
					(تا ۳۰ خردادماه)		
-	یاسین مولایی	۶ ساله	-	1	روز شنبه ۳۱	اسلامآباد کرمانشاه	34
					خرداد	غرب	
-	نامشخص	۳ ساله	1	-	روز شنبه ۳۱	اسلامآباد کرمانشاه	35
	(برادر یاسین)				خرداد	غرب	
-	-	۶ ساله کشته 1	1	روز شنبه ۳۱	حمیل	کرمانشاه	36
		۱ ساله			خرداد		
		مجروح					
میدان	علیسان	۷ ساله	-	1	روز شنبه ۳۱	تبریز	37
آذربایجان	جباری				خرداد	شرقی	
میدان	طاها	۷ ساله	-	1	روز شنبه ۳۱	تبریز	38
آذربایجان	بهروزی				خرداد	شرقی	



مصدوم شده بود

و ۲ تیرماه

جانباخت

تقابل آمارهای رسمی و غیررسمی

۱. دامنه منابع

هرانا داده‌ها را از سه لایه گردآوری می‌کند: داوطلبان داخل مراکز درمانی، شبکه صدها کانال محلی اعتبارسنجی‌شده، و اعلامیه‌های رسمی برای تقاطع‌گیری. دولت تقریباً فقط به گزارش‌های مراکز درمانی و بیمارستان‌های دولتی تکیه دارد.

۲. روش ثبت و بهروزرسانی

آمار هرانا روزانه و به‌صورت زنده تعدیل می‌شود و هر عدد پیش از تثبیت با دست‌کم یک منبع مستقل دیگر تطبیق می‌شود؛ دولت ارقام را به شکل نوبه‌ای و گاه با جهش ناگهانی منتشر می‌کند.

۳. شمول قربانیان

در برآورد هرانا، نظامیان، مجروحان سرپایی و قربانیان هویت‌نامعلوم همه گنجانده می‌شوند؛ در ارقام رسمی، نظامیان عموماً با تأخیر یا اصلاً اعلام نمی‌شوند و مجروحان سرپایی غالباً حذف می‌شوند.

۴. فشار و انگیزه سیاسی

دولت طی جنگ سه بار ارقام تلفات را به‌طور محسوس تغییر داد (مثلاً جهش ۲,۵۰۰ به ۴,۵۰۰ مجروح در روز هشتم) که نشان می‌دهد عددها پیش از انتشار از فیلترهای سیاسی عبور می‌کنند. هرانا افزایشی تدریجی و مستند را گزارش می‌کند.

۵. نتیجه اختلاف ۳۰۹ نفره

شکاف میان آمار نهایی دو طرف کوچک به نظر می‌رسد، اما نشان می‌دهد چه گروه‌هایی از روایت رسمی حذف یا کمرنگ می‌شوند و چرا دسترسی به داده‌های خام مستقل برای سازمان‌های حقوق بشری و ناظران بین‌المللی حیاتی است.

دانشمندان هسته‌ای

طی موج حملات هوایی و هدفمند اسرائیل به خاک ایران در بازه ۲۳ خرداد تا ۳ تیر ۱۴۰۴، دستکم یازده تن از برجسته‌ترین دانشمندان هسته‌ای کشور در تهران و چند شهر دیگر کشته شدند؛ حملاتی که علاوه بر چهره‌های علمی، اعضای خانواده و همسایگان آنان را نیز به خاک و خون کشید و مجموع قربانیان را بنا بر مستندات موجود به بیش از ۶۰ نفر رساند.

به گزارش منابع میدانی و داده‌های گردآوری‌شده از مراکز درمانی، فریدون عباسی-دوانی، رئیس پیشین سازمان انرژی اتمی و استاد فیزیک هسته‌ای، در مجتمع مسکونی «اساتید سرو» سعادت‌آباد هدف قرار گرفت و همراه دختر ۲۴ ساله‌اش جان باخت. در همان مجتمع، محمدمهدی طهرانچی، عضو هیئت‌امنای دانشگاه آزاد، بر اثر اصابت مستقیم مهمات انفجاری کشته شد؛ شاهدان می‌گویند از پیکر او جز تکه‌های پراکنده چیزی باقی نمانده است.

چند ساعت بعد، در محله شهرآرای تهران، عبدالحمید مینوچهر - استاد مهندسی هسته‌ای و سردبیر نشریه «فناوری و انرژی هسته‌ای» - ساعت ۳:۳۰ بامداد در آپارتمان پنج‌طبقه خود همراه با یک خدمتکار کشته شد. در شهرک شهید دقایقی منطقه لویزان نیز احمدرضا ذوالفقاری داریانی، رئیس سابق دانشکده علوم هسته‌ای دانشگاه شهید بهشتی، بر اثر اصابت موشک هدایت‌شونده به منزلش جان سپرد.

یکی دیگر از قربانیان، سید امیرحسین فقهی، معاون پیشین سازمان انرژی اتمی و عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی بود که در محله مرزداران تهران کشته شد. در همان شب، نادر (اکبر) مطلبی‌زاده، فیزیک‌دان اصفهانی دانشگاه آزاد، حین خروج از منزل در یزد هدف قرار گرفت.

حملات به منازل مسکونی، تلفات خانوادگی سنگینی بر جا گذاشت:

- در خیابان پاسداران تهران، علی بکایی کریمی با همسر و دو فرزند خردسالش کشته شد.
- در حوالی میدان هروی، منصور عسگری، پژوهشگر راکتورهای تحقیقاتی، به همراه همسر و کودک چهارساله‌اش جان باخت.
- منابع محلی از مرگ سعید برجی، دستیار پژوهشی تأسیسات خنداب، در شرق تهران خبر داده‌اند؛ اطلاعات تکمیلی درباره نحوه حمله هنوز منتشر نشده است.
- تازه‌ترین و مرگبارترین رویداد در بامداد سوم تیر رخ داد: در حمله به ساختمانی در جنوب تهران محمدرضا صدیقی صابر، متخصص سانترفیوژهای پیشرفته، کشته شد. انفجار به فرو ریختن کامل بلوک مسکونی انجامید و به گفته شاهدان، ۴۳ نفر دیگر (از جمله فرزند ۱۷ ساله او) نیز جان باختند یا زیر آوار ماندند.
- ساعاتی پس از آن، خبر ترور ایثار طباطبایی قمشه، استاد مهندسی هسته‌ای دانشگاه صنعتی شریف، در منزل شخصی‌اش در شهرری منتشر شد؛ وی و همسرش منصوره حاجی سالم هر دو جان باختند.
- گرچه مقامات رسمی هنوز درباره ماهیت دقیق تسلیحات به کاررفته اظهارنظر نکرده‌اند، شواهد کالبدی و ویرانی‌ها حاکی از استفاده هم‌زمان از بمب‌های نقطه‌زن، پهپادهای انتحاری و راکت‌های دوربرد است.
- حملات عمدتاً در ساعات پایانی شب انجام شد؛ روشی که به گفته کارشناسان برای حداکثرسازی شوک روانی و دشوارکردن امدادرسانی فوری طراحی شده است.

پزشکی قانونی و بیمارستان‌های پایتخت تاکنون هویت تعدادی از قربانیان را تأیید کرده‌اند و جست‌وجو زیر آوار در چند محل ادامه دارد. به گفته منابع درمانی، بیش از ۷۰ نفر نیز در این رویدادها زخمی شده‌اند؛ برخی از آن‌ها به دلیل سوختگی‌های شدید یا قطع عضو در وضعیت بحرانی به سر می‌برند.

حمله اسرائیل به زیرساخت‌های غیرنظامی ایران

با پایان گرفتن درگیری دوازده‌روزه میان اسرائیل و ایران، برآورد تازه‌ی هوانا نشان می‌دهد که بخش عظیمی از زیرساخت و دارایی‌های غیرنظامی ایران همچنان در خط آتش قرار داشته است. داده‌های راستی‌آزمایی‌شده از ۲۳ خرداد تا ۳ تیر وقوع دست‌کم ۱۰۹ مورد اصابت یا انفجار در محوطه‌های صنعتی، انرژی، اداری و تجاری را ثبت می‌کند؛ رقمی که چشم‌انداز اقتصادی کشور را با چالش جدی روبه‌رو می‌سازد. نزدیک به دو سوم این رویدادها (۷۳ مورد) در استان تهران رخ داده و پس از آن، استان‌های البرز، لرستان، فارس و کرمانشاه بیشترین خسارت را متحمل شده‌اند. اوج حملات در بامداد ۲۵ خرداد با ۵۳ رویداد ثبت شد؛ رخدادی که هم‌زمان با نخستین قطع سراسری اینترنت، چرخه تولید و توزیع انرژی را چند ساعت مختل کرد.

لازم به توضیح است طبقه‌بندی مکان‌های هدف‌قرارگرفته به عنوان «نظامی» یا «غیرنظامی» در این گزارش، بر پایه اطلاعات عمومی در دسترس، شواهد ظاهری، و شهادت شماری از شهروندان محلی صورت گرفته است. بدیهی است که تشخیص دقیق و نهایی ماهیت این اماکن نیازمند بررسی اسناد رسمی، تصاویر ماهواره‌ای و تحلیل‌های تکمیلی است که در شرایط فعلی در دسترس نیست. از این رو، این دسته‌بندی موقتی و با هدف ارائه تصویری اولیه از وضعیت صورت گرفته و به معنای داوری قطعی درباره ماهیت اهداف نیست.

ضربه به شریان انرژی

گسترده‌ترین صدمات حوزه انرژی کماکان در استان‌های جنوبی و کلان‌شهر تهران مشاهده شد. در بوشهر، پالایشگاه فجر جم و تأسیسات فاز ۱۴ میدان گازی پارس جنوبی در ۲۴ خرداد دو بار پیاپی هدف قرار گرفتند و فشار گاز تا ۳۰ درصد افت کرد. در پایتخت، انبارهای نفت تهران و جنوب تهران و نیز پالایشگاه شهرری تنها طی روز ۲۵ خرداد سه انفجار متوالی را تجربه کردند که به سوختن سه مخزن دهمیلیونی انجامید و واحد تقطیر این مجموعه را برای ۱۲ ساعت از مدار خارج کرد. حریق در واحد هیدروکراکینگ پالایشگاه نفت کرمانشاه در ۲۶ خرداد و اختلال در شبکه برق کمکی نیروگاه سیکل ترکیبی یزد یک روز بعد، به افت هفت‌درصدی ظرفیت پالایشی کشور در بازه مورد بررسی و صف‌های چندکیلومتری سوخت در محورهای غرب و جنوب پایتخت انجامید.

صنایع تولیدی و کارخانجات

در لرستان، حمله به «زاگرس خودرو» و ماشین‌سازی اشترینان سالن‌های پرس و رنگ را تخریب و خطوط مونتاژ را متوقف کرد. انفجار در پیرامون صنایع الکترونیک شیراز انبار بردهای مخابراتی را به آتش کشید و خطوط SMT را از مدار خارج کرد. قطع برق عمومی و ریزش سقف دو سوله در شهرک‌های صنعتی البرز (قزوین) و مرند، و آسیب به پنج تأسیسات نساجی و غذایی در زنجان و همدان، در مجموع دستکم سه هزار کارگر را به مرخصی اجباری یا بیکاری سوق داده است.

مراکز اداری و زیربنای حمل‌ونقل

فرودگاه‌های مهرآباد و تبریز هرکدام دو بار به دلیل هشدار امنیتی تعطیل موقت شدند؛ به‌ویژه مهرآباد که اصابت یک موشک کروز در ۲۶ خرداد سامانه سوخت‌رسانی باند غربی را سوزاند. انفجار در ساختمان فرعی وزارت امور خارجه در باغ‌موزه و ترکیدن شیشه‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه شهید بهشتی (۲ تیر) فعالیت هزاران کارمند و دانشجو را مختل کرد. زندان اوین نیز در ۲۹ خرداد هدف اصابت موشکی به

گیت ورودی قرار گرفت؛ تخریب بهداری و قطع تلفن موجب اعتراضات گسترده حقوق بشری شد. در مجموع شانزده هدف اداری و حمل و نقل، از پایانه‌های مسافری تا دکل‌های مخابراتی، طی این دوره آسیب مستقیم دیدند.

خسارات به دارایی‌های تجاری و بازار

ریزش شیشه‌های مجتمع بزرگ «ایران مال» در غرب تهران، آتش در انبارهای کالا کنار اتوبان کرج و انفجار محدود در بازار بزرگ اصفهان شاخص‌ترین رویدادهای تجاری بود. دوازده مرکز تجاری شناسایی شده دچار خسارت ساختمانی یا تعطیلی مقطعی شدند و گزارش‌های میدانی از کاهش محسوس دسترسی مردم به کالاهای اساسی در نیمه غربی پایتخت حکایت دارد.

الگوی هدف‌گیری و پیامدهای انسانی

اگرچه ارتش اسرائیل اعلام کرده که تمرکز حملات بر زیرساخت‌های مرتبط با توان موشکی ایران بوده، پراکندگی اهداف و نبود سامانه‌های پدافندی در همسایگی مراکزی مانند انبار نفت شهران یا صنایع الکترونیک شیراز پرسش‌های جدی درباره رعایت اصل تفکیک میان اهداف نظامی و غیرنظامی مطرح می‌کند. تاکنون مرگ چهار کارگر پالایشگاه، دو راننده نفت‌کش و سه نگهبان کارخانه و ده‌ها مجروح تأیید شده است؛ آماري که احتمال می‌رود با تکمیل گردآوری داده‌های استانی افزایش یابد.

محله‌های تهران

جمع‌بندی داده‌هایی که «هرانا» از دوازده روز درگیری ثبت کرده است نشان می‌دهد جغرافیای حملات در پایتخت بیش از آنچه پیش‌تر برآورد شده بود، پیرامون حلقه بیرونی شهر متمرکز بوده است؛ مناطقی که زیرساخت‌های راهبردی و بافت‌های متراکم مسکونی در همسایگی یک‌دیگر قرار دارند. در مجموع، ۳۰۰

رویداد اصابت یا انفجار در محدوده شهری تهران به ثبت رسیده است؛ رقمی که چشم‌انداز امنیتی پایتخت را برای سال‌ها دگرگون خواهد کرد. از این میان، مختصات دقیق ۹۵ رویداد به سطح محله‌ای قابل‌جانمایی است: ۴۵ رویداد (۴۷٪) در محور شرق و شمال‌شرق، ۲۷ رویداد (۲۸٪) در غرب، ۱۶ رویداد (۱۷٪) در شمال و شمال‌غرب، و ۷ رویداد (۷٪) در پهنه جنوب و جنوب‌غرب ثبت شده است.

شرق و شمال‌شرق؛ پرتکرارترین کانون حملات

محور تهرانپارس، حکیمیه، لویزان و امتداد بزرگراه بابایی همچنان پرتراکم‌ترین جبهه آتش بود. چهل‌وپنج رویداد اصابت یا انفجار در این دالان باریک صنعتی-مسکونی ثبت شد؛ از جمله سه اصابت مستقیم به انبارهای سوخت لویزان و دو انفجار ثانویه که موج آن تا تقاطع شهید بابایی حس شد. محله‌های نوبنیاد، مجیدیه و نارمک بارها در شعاع موج انفجار قرار گرفتند. سامانه‌های پدافندی مستقر بر بلندی‌های لشگرک در پنج شب متوالی، هفت موشک رهگیر و چند نوبت آتش پشتیبان توپخانه‌ای شلیک کردند و روشنای ممتد آسمان شرقی پایتخت را رقم زدند. شمال و شمال‌غرب؛

خط حائل شریان‌های اداری

در محور تجریش، ونک و جردن شانزده رویداد ثبت شد؛ سه مورد از آن در یک بازه ۴۸ ساعته که دو بار شیشه‌های برج‌های اداری خیابان سئول را فرو ریخت و بزرگراه صدر را برای ساعت‌ها فلج کرد. ترکیدن ترکش بر فراز نیاوران، خیابان ولیعصر و حوالی پارک ساعی نیز موجی از اختلال در ارتباطات رادیویی و قطعی برق موضعی را در پی داشت. در شامگاه ششمین شب از درگیری‌ها، دو شلیک رهگیر سطح‌به‌هوا از سایت پدافندی لویزان-نیاوران تأیید شد.

محور غربی؛ میان شاه‌رگ‌های صنعتی و مسکونی

بیست‌وهفت رویداد در کریدور شهران، چیتگر و بیدگنه ثبت شد؛ منطقه‌ای که انبار نفت شهران و پایگاه موشکی بیدگنه را در بر می‌گیرد. در ۲۵ خرداد دود ناشی از انفجاری بزرگ در انبار نفت تا مرکز شهر

دیده شد و سه شب پیاپی، ردیف سامانه‌های ضد هوایی مستقر بر تپه‌های چیتگر و لبه غربی میدان آزادی با سه موشک رهگیر و چند نوبت آتش پشتیبان توپخانه‌ای فعال ماند. فعالیت توریستی در بوستان‌های حاشیه دریاچه چیتگر برای چند روز متوقف شد و ساکنان شهرک اکباتان و ایران‌مال دست‌کم دو شب را در پناهگاه‌های اضطراری سپری کردند.

جنوب و جنوب‌غرب؛ آتش پراکنده اما پرهزینه

هفت رویداد در پهنه جنوب، از اسلامشهر تا خانی‌آباد نو و حاشیه بزرگراه خلیج فارس، ثبت شد. گرچه تعداد اصابت‌ها در این جبهه کمتر از نقاط دیگر بود، اما خسارت وارد شده به انبارهای لجستیکی و بافت‌های فرسوده سنگین‌تر ارزیابی می‌شود. انفجار در حاشیه شهرک خلیج فارس دو مخزن ذخیره سوخت و سه سوله انبار کالا را ویران کرد و دست‌کم صد خانوار را تا پایان مداخله از خانه‌هایشان دور نگه داشت. در شب نهم درگیری، دو رهگیر کوتاه‌برد از سامانه مستقر در جنوب تهران پرتاب شد.

الگوی کلی و پیامدها

تقریباً نیمی از رویدادهایی که مختصات دقیق‌شان مشخص است در محور شرقی-شمال‌شرقی رخ داده؛ منطقه‌ای که به دلیل همجواری واحدهای سوخت و پژوهش با بافت‌های متراکم مسکونی، بیشترین نگرانی برای تلفات غیرنظامی را برانگیخته است. غرب شهر، با تمرکز بالای زیرساخت‌های انرژی و لجستیک، دومین کانون مهم حملات بود. در مجموع ۳۰۰ رویداد ثبت‌شده، دست‌کم سه مخزن سوخت بزرگ، دو انبار لجستیکی راهبردی و صدها واحد مسکونی یا تجاری دچار آسیب شده‌اند. بر اساس گزارش‌های تأییدشده، تاکنون مرگ چهار کارگر انبار سوخت، دو راننده نفت‌کش و سه نگهبان کارخانه و زخمی‌شدن ده‌ها تن دیگر قطعی است؛ اما با توجه به پراکندگی محل‌ها و تداوم عملیات آواربرداری، احتمال افزایش آمار تلفات همچنان وجود دارد. این تمرکز حملات بر کمربندهای پیرامونی، به باور کارشناسان، ترکیب امنیتی پایتخت را دست‌کم تا چند سال آینده دستخوش بازنگری جدی خواهد کرد.

حملات اسرائیل به اماکن نظامی ایران در دوازده روز درگیری

(۲۳ خرداد - ۳ تیر ۱۴۰۴) در طول دوازده روز جنگ، حداقل ۱۵۴ موج حمله سنگین به تأسیسات و پایگاه‌های نظامی در سراسر کشور ثبت شد. این حملات در ۲۸ استان رخ داد و به طور میانگین هر روز بیش از ۱۲ هدف نظامی را درگیر کرد. داده‌های گردآوری شده هرانا نشان می‌دهد:

توضیح	مقدار	شاخص کلیدی
فقط اهداف «نظامی خالص»؛ زیرساخت‌های دوگانه در این 154	مجموع حملات ثبت شده	
شمارش نیامده‌اند.		
تهران، اصفهان و کرمانشاه بیشترین اصابت را داشتند.	۲۸ استان از ۳۱ استان استان‌های درگیر	
	کشور	
موج بی‌سابقه موشک‌باران و پهپادها در نقاط مختلف تهران، ۲۸ خرداد (۳۱ حمله) پرتکرارترین روز البرز و ری.		
به‌ویژه محدوده پارچین، شهر ری و اطراف لویزان.	تهران (۴۲ حمله)	بیشترین اصابت استانی

سیر زمانی مهم‌ترین حملات

نکته برجسته	نمونه اهداف شاخص	تاریخ
-------------	------------------	-------

۲۳	فرودگاه مهرآباد، پایگاه موشکی کرمانشاه، پایگاه هشتم	آغاز رسمی درگیری؛ سه اصابت در همان ساعات نخست.
خرداد	شکاری اصفهان	
۲۴	پادگان امام حسن کرمانشاه، پادگان امام علی کرج،	حجم حملات به ۱۳ هدف رسید؛ اولین
خرداد	کارخانه بوستر موشکی سپاه در تبریز	گزارش از تخریب مهمات‌خانه‌ها.
۲۵	ساختمان وزارت دفاع (تهران)، سازمان نوآوری و	شروع حمله به مراکز تحقیق و توسعه.
خرداد	تحقیقات دفاعی (صایران)، سایت‌های موشکی غرب کشور	
۲۶	انبار پرتابه دولت‌آباد، ایستگاه ماهواره‌ای جنت‌آباد همدان،	تمرکز بر حلقه پشتیبانی لجستیکی سپاه.
خرداد	سامانه پدافند اندیشک	
۲۷	پادگان حشمتیه تهران، پادگان الزهراء تبریز، پایگاه هشتم	افزایش ضربه به مراکز آموزش و انبار
خرداد	شکاری (دومین‌بار)	مهمات.
۲۸	زاغه مهمات موشکی سرخه حصار، مجموعه پادگان‌های	پرتراکم‌ترین روز: ۳۱ اصابت تأییدشده.
خرداد	پرند، پادگان جام‌بزرگی شهر ری	
۲۹	مجتمع آب‌سنگین خنداب اراک، سایت هسته‌ای نطنز، چند	نخستین ورود جدی به اهداف راهبردی
خرداد	نقطه در تهران	هسته‌ای داخل فهرست نظامی.
۳۰	پایگاه شکاری بوشهر، پادگان سپاه در محدوده چهارشیر	دامنه حملات به جنوب و سواحل خلیج فارس کشیده شد.
خرداد	اهواز	

مرکز پلیس فناوری و تبادل اطلاعات مجتمع صنایع دفاعی، پایگاه سوم دریایی، پلیس فتا، پایگاه ۳۱ فراجا (پلیس فتا) مورد حمله قرار گرفت. چهارم شکاری، تیپ ۷۱ پیاده مکانیزه ارتش در منطقه خرداد سومار

اوج حملات راهبردی؛ ۲۲ هدف نظامی سه تأسیسات هسته‌ای (نطنز، فردو، اصفهان) - همراه با ۱ تیر در یک روز. حمله مشترک آمریکا

تمرکز روی خطوط تدارکاتی سپاه و آمادگاه شهید مدنی تبریز، مجموعه موشکی پارچین، سپاه ۲ تیر صنایع موشکی. سیدالشهدای شهر ری

واپسین ضربه پیش از اعلام آتش بس. ستاد مشترک سپاه (میدان کلاهدوز)، سایت موشکی ۳ تیر پارچین (دومین بار)

نظامیان و چهره‌های شاخص کشته شده

در جریان دوازده روز جنگ، پیکره فرماندهی عالی نیروهای مسلح ایران ضربات کم سابقه‌ای متحمل شد؛ ضرباتی که با کشته شدن دست کم دوازده چهره شاخص نظامی از سپاه پاسداران و ستادکل نیروهای مسلح آغاز شد و تا سطوح میانی اطلاعاتی امتداد یافت.

در نخستین ساعات ۲۳ خرداد، خبر جان باختن امیر علی حاجی زاده، فرمانده نیروی هوافضای سپاه، در کنار محمد باقری، رئیس ستادکل نیروهای مسلح، و حسین سلامی، فرمانده کل سپاه، فضای رسانه‌ای رسمی را تحت الشعاع قرار داد؛ نام غلامعلی رشید، فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم الانبیا، مهدی ربانی، جانشین عملیات ارتش، و داوود شیخیان، از افسران ارشد طرح و برنامه، نیز میان قربانیان همان شب ثبت شد

. این تلفات هم‌زمان در سه رده از فرماندهی کلان، تصویری از «خلأ زنجیره فرماندهی» در ساعات ابتدایی جنگ ترسیم کرد.

دو روز بعد، ۲۴ خرداد، حملات متناوب اسرائیل کانون خود را به «ستادکل اطلاعاتی» چرخاند. در این

موج، غلامرضا محرابی، معاون اطلاعات ستادکل نیروهای مسلح، و سردار خسرو حسنی، جانشین

اطلاعات نیروی هوافضای سپاه، در تهران کشته شدند؛ رخدادی که بنا بر تحلیل منابع امنیتی داخلی، سبب

شد بخش عمده‌ای از عملیات رهگیری پهپادها برای چند ساعت به حالت تعلیق درآید

اوج ضربه به ساختار اطلاعاتی سپاه روز ۲۵ خرداد رقم خورد؛ جایی که بیانیه رسمی این نهاد از مرگ

محمد کاظمی - رئیس تازه منصوب‌شده سازمان اطلاعات سپاه - به همراه حسن محقق، معاون او، و محسن

باقری، فرمانده ارشد عملیات‌های برون‌مرزی اطلاعات سپاه پرده برداشت

. منابع مطلع می‌گویند انفجار در ساختمان محل تشکیل «قرارگاه مشترک جنگ الکترونیک» در غرب

تهران، منشأ این تلفات بوده است؛ انفجاری که به گفته شاهدان، با قطع سراسری برق و اختلال در

شبکه‌های رادیویی نظامی همزمان شد.

به این ترتیب، در فاصله تنها سه روز، چرخه تصمیم‌سازی-از فرماندهی کل تا طراحی عملیات اطلاعاتی-با

غیبت شش فرمانده رده یک و پنج مقام ارشد اطلاعاتی مواجه شد. با آن‌که سخنگوی نیروهای مسلح از

«استقرار سریع جانشینان» سخن گفته است، نشانه‌هایی از ناهماهنگی در صدور بیانیه‌ها و تأخیر در اعلام

آمار تلفات حاکی است که سلسله‌مراتب تازه هنوز به ثبات نرسیده است.

دست‌کم سه منبع نزدیک به سپاه تأیید کرده‌اند که به دنبال این تلفات، «قرارگاه مشترک پدافندی» به ستاد

ارتش منتقل و کنترل چند سامانه رهگیر کروز در شمال تهران به نیروهای ارتش واگذار شد؛ تغییری که

طبق رویه رایج، نیازمند تصویب شورای عالی امنیت ملی بود، اما این بار «در سطح معاون عملیات

ارتش» ابلاغ شد. به گفته همین منابع، از عصر ۲۶ خرداد، پیام‌های رمزگذاری‌شده‌ای که معمولاً هر

دوازده ساعت میان قرارگاه‌های منطقه‌ای ردوبدل می‌شود، با تأخیرهای چندساعته ارسال شده؛ نشانه‌ای

دیگر از شوک وارده به ساختار فرماندهی.

در کنار این اسامی تأییدشده، فهرست بلندبالایی از کشته‌شدگان میانی – از جمله فرماندهان تیپ‌های موشکی در زنجان و آران‌وبیدگل و نیز مسئولان سامانه‌های شنود در جنوب کرمان – هنوز به‌طور رسمی اعلام نشده است؛ روایت‌هایی که به‌دلیل قطع گسترده اینترنت و محدود شدن دسترسی خبرنگاران، امکان راستی‌آزمایی عمومی نیافته‌اند.

در مجموع گزارش‌های رسمی خبر از مرگ ۳۵ فرمانده ارشد سپاه و ارتش، دست‌کم ۱۱ دانشمند هسته‌ای، و ۳۲ ورزشکار ملی‌پوش می‌دهند؛ هرانا تاکنون هویت ۱۹ ورزشکار و ۳۸ چهره علمی و نظامی را احراز کرده است و راستی‌آزمایی درباره ادعای مرگ دیگر «مقامات عالی‌رتبه» ادامه دارد.

بازداشت‌ها و برخورد با شهروندان

ارزیابی نهایی هرانا از بازداشت‌های شهروندان در پی دوازده روز درگیری میان اسرائیل و ایران نشان می‌دهد که طی این مدت دست‌کم ۳۰۱ نفر در سراسر کشور به‌دلیل انتشار محتوا، اظهار نظر یا حضور در شبکه‌های اجتماعی بازداشت شده‌اند؛ رقمی که از نخستین ساعات جنگ تا اعلام آتش‌بس امروز، با شتابی نگران‌کننده افزایش یافته و پراکندگی گسترده‌ای در میان استان‌ها دارد.

جیش اولیه: روزهای ۲۳ تا ۲۵ خرداد

موج نخست در همان ساعات آغاز حملات شکل گرفت. تنها در روز ۲۳ خرداد، نیروهای انتظامی و امنیتی با یورش هم‌زمان به دست‌کم شش استان، ۵۸ شهروند را بازداشت کردند؛ از جمله پنج نفر در یزد، چهارده تن در هرمزگان، شانزده نفر در اصفهان، بیست‌ویک نفر در سمنان و دو مورد منفرد در رومشکان و تهران. بازداشت مطهره گونه‌ای، فعال دانشجویی دانشگاه تهران، شاخص‌ترین پرونده این روز بود. یک روز بعد، آمار رسمی از بازداشت تازه‌ای خبر نمی‌داد، اما فضای رعب‌انگیز تهدیدهای دادستانی به‌وضوح در شبکه‌های اجتماعی دیده می‌شد. در ۲۵ خرداد بار دیگر موج دوم با ۴۲ بازداشت جدید رقم خورد و

شمار کل سه روزه را به ۱۰۰ نفر رساند؛ افزایشی که نشان می‌داد سیاست «بازدارندگی از طریق ایجاد ترس» وارد فاز اجرایی شده است.

تثبیت الگو و افزایش پراکندگی: ۲۶ تا ۲۸ خرداد

در روز چهارم نبرد (۲۶ خرداد) دستکم پانزده نفر دیگر – عمدتاً در کرمان، اردبیل، خرم‌آباد و خراسان شمالی – بازداشت شدند و سقف کلی به بیش از ۱۱۵ نفر رسید. مقام‌های قضایی هم‌زمان با تهدید به «محاکمه فوری در شرایط جنگی» اعلام کردند که هرگونه محتوای «حامی دشمن» مصداق اشد مجازات است. روز پنجم، سیل اتهام‌های «تشویش اذهان عمومی» و «همکاری با موساد» شدت گرفت: دستکم بیست‌ویک شهروند در لرستان، بافق، بوکان و تهران دستگیر شدند و رقم کل پس از پنج روز به ۱۳۹ نفر رسید. ۲۸ خرداد (روز ششم) نیز رسانه‌های دولتی از بازداشت بیست‌ویک نفر دیگر خبر دادند و آمار انباشته ۱۶۰ نفر شد؛ یعنی میانگین روزانه بیش از بیست‌وشش بازداشت در هفته نخست.

اوج سرکوب: ۲۹ تا ۳۱ خرداد

شدیدترین جهش در ۲۹ خرداد رخ داد؛ جایی که دستکم سی نفر در لرستان، یزد، کرمان، مهاباد و علی‌آباد کتول بازداشت شدند و شمار کل به ۲۰۶ نفر رسید. استان لرستان با شانزده بازداشت در رأس فهرست قرار گرفت. یک روز بعد (۳۰ خرداد) بازداشت سی نفر دیگر – این‌بار در بوشهر، مسجدسلیمان، ارومیه، ایذه، رشت و پارس‌آباد مغان – ثبت شد و مجموع را به ۲۳۶ نفر رساند. منابع محلی می‌گویند در بسیاری از این پرونده‌ها، تنها دلیل بازداشت «بازنشر تصاویر حملات» یا «اظهار امیدواری به پایان درگیری» بوده است. ۳۱ خرداد نیز با تکرار همان آمار سی نفره عملاً رکورد روز قبل را تثبیت کرد؛ هرچند در برخی استان‌ها، از جمله همدان و بوکان، مقام‌های انتظامی اعلام کردند افراد دستگیرشده «عوامل تخریب روحیه مردم» بوده‌اند.

فرسایش تدریجی و گزینش هدفمند: ۱ تا ۳ تیر

قطع کامل اینترنت جهانی در بامداد ۲۸ خرداد تبادل اطلاعات را کند کرد، اما موج دستگیری ادامه یافت. در یکم تیر چهار نفر در دهمشست و یازده نفر در رامشیر بازداشت شدند؛ همزمان فرمانده بوکان از پنج بازداشت دیگر خبر داد و کرمان چهاردهمین بازداشت خود را ثبت کرد. این تحرکات، شمار کلی بازداشت‌شدگان ده روزه را به ۲۷۷ نفر رساند. فردای آن، تنها چهار بازداشت جدید گزارش شد؛ کاهش چشمگیری که کارشناسان آن را نتیجه محدودیت ارتباطی و ترس از اطلاع‌رسانی می‌دانند. با این حال، ۳ تیر دوباره روند افزایشی هرچند خفیف از سر گرفته شد: پنج بازداشت تازه (در بهارستان، قائمشهر، بوشهر و قزوین) مجموع را به ۲۸۶ نفر رساند.

نمودار جغرافیایی و ویژگی‌های بازداشت‌شدگان

لرستان با ۴۲ مورد تأییدشده در صدر جدول قرار گرفته است؛ پس از آن خوزستان (۲۹ مورد)، کرمان (۲۵)، گلستان (۲۴) و یزد (۲۲) دیده می‌شوند، اما در مجموع بازداشت‌هایی در دستکم ۲۴ استان کشور ثبت شده است. با آن‌که هنوز جزئیات اتهام اکثر پرونده‌ها علنی نشده، بررسی موارد مشخص نشان می‌دهد که حدود پنج درصد بازداشت‌ها با عنوان «حمایت از اسرائیل» از طریق انتشار محتوا و تقریباً سه درصد به اتهام «تشویش اذهان عمومی» صورت گرفته است.

پیامدهای حقوقی و اجتماعی

فارغ از تعداد بالای بازداشت‌ها، سرعت صدور احکام موقت و تهدیدهای علنی مقام‌های قضایی نگرانی‌های جدی درباره حق دادرسی عادلانه ایجاد کرده است. بسیاری از خانواده‌ها گزارش داده‌اند که متهمان بدون دسترسی به مشاور حقوقی و در مکان‌های نامعلوم نگهداری می‌شوند. در کنار آن، قطع بلندمدت اینترنت دسترسی وکیل و خبرنگار به پرونده‌ها را دشوار کرده و امکان مستندسازی تخلفات احتمالی را محدود ساخته است.

بازداشت‌های امنیتی

بررسی نهایی «هرانا» از بازداشت‌های امنیتی در دوازده روز نبرد نشان می‌دهد که دستگاه‌های اطلاعاتی و انتظامی ایران دست‌کم ۱۲۹۵ نفر را به اتهام‌هایی چون «جاسوسی برای اسرائیل»، «هدایت ریزپرنده‌ها»، «قاچاق سلاح» و «برهم زدن امنیت ملی» بازداشت کرده‌اند؛ آماري که از موج‌های پراکنده‌ی روزهای نخست به عملیات گسترده‌ی جست‌وجو و ایست‌وبازرسی در سراسر کشور رسید و در نهایت با سه اجرای حکم اعدام در دوره ۱۲ روزه به اوج خود ختم شد. دستگاه قضایی ایران همچنین ساعتی پس از اعلام آتش بس سه متهم دیگر به نامهای ادریس آلی، آزاد شجاعی و رسول احمد رسول را به اتهام جاسوسی و همکاری با اسرائیل در زندان ارومیه اعدام کرد. تمام شش متهم اعدام شده پیش از جنگ ۱۲ روزه بازداشت و به اعدام محکوم شده بودند.

۲۳ تا ۲۵ خرداد | نخستین بازداشت‌ها و تهدیدهای علنی

ساعات ابتدایی حملات با هشدارهای رئیس قوه قضائیه همراه شد که وعده می‌داد «عوامل همکار با اسرائیل» در دادگاه‌های ویژه و سریع محاکمه خواهند شد. همان روز تلویزیون دولتی از انهدام «یک شبکه سازمان‌یافته» در یاسوج خبر داد و پلیس در غرب تهران راننده وانت حامل ده‌ها ریزپرنده را دستگیر کرد؛ هم‌زمان یک عکاس محلی در آشخانه به جرم تصویربرداری از مراکز «حساس» تحت بازداشت قرار گرفت. در ۲۵ خرداد، دو تبعه خارجی که به گفته مقامات ظاهراً پیش از انفجارها موقعیت صداوسیما و منزل یکی از مقامات را برای رابطی در آلمان فرستاده بودند در تهران دستگیر شدند.

۲۶ تا ۲۹ خرداد | عملیات استان به استان و نخستین جهش آماری

با عمومی‌شدن خبر محدودیت اینترنت و تشدید فضای امنیتی، عملیات‌های هم‌زمان در چند استان اجرا شد. اطلاعات سپاه چهارمحال و بختیاری اعلام کرد «تیم ریزپرنده‌ای» را شناسایی کرده است؛ وزارت اطلاعات نیز از کشف یک محموله تسلیحاتی در کردستان و بازداشت یک نفر خبر داد. تا پایان روز دهم درگیری،

شمار بازداشت‌شدگان امنیتی به ۳۶۳ نفر رسید و رسانه‌های حکومتی از اجرای حکم اعدام «مجید مسیبی» به اتهام جاسوسی برای اسرائیل خبر دادند.

۳۰ و ۳۱ خرداد | نقطه‌عطف در خوزستان و قزوین

انتشار تصاویر عملیات «ایست و بازرسی بسیج» در استان قزوین که طی آن ۸۰ تبعه خارجی به اتهام تردد غیرمجاز و حمل سلاح سرد و فشنگ دستگیر شدند، بزرگ‌ترین بازداشت جمعی این دوره را رقم زد. دادستان مرکز خوزستان نیز اعلام کرد که ۴۱ نفر را به ظن همکاری اطلاعاتی با اسرائیل بازداشت کرده است. در همان ساعات، ویدیویی از اعترافات اجباری «شش عامل موساد» در تهران منتشر شد که صحت آن قابل احراز نیست.

۱ تا ۳ تیر | اعدام دوم و یورش‌های پراکنده

در واپسین روزهای درگیری، گزارش‌های رسمی از پاکدشت تا آستارا از بازداشت گروه‌های کوچک مجهز به موشک و مواد منفجره حکایت داشت؛ سه شهروند افغانستان با ادوات نظامی، یک زن خارجی در چالوس و دو متهم به جاسوسی در آستارا از جمله این موارد بودند. همزمان فرمانده انتظامی از «شبکه ریزپرنده در کوه‌های شمال غرب تهران» خبر داد که اعضایش بازداشت شدند. در این مقطع، احکام اعدام «محمدامین مهدوی» و «اسماعیل فکری»، دو متهم دیگر جاسوسی، اجرا شد و آمار بازداشت‌های امنیتی به ۵۳۷ نفر رسید.

پراکندگی جغرافیایی و الگوی اتهامات

تهران با بیش از ۱۲۰ مورد تأییدشده در صدر قرار دارد؛ پس از آن قزوین (۸۰)، خوزستان (۴۱)، گیلان (۳۶)، لرستان (۱۰) و کردستان و چهارمحال‌وبختیاری هر کدام با چندین پرونده بزرگ دیده می‌شوند. شمار اتباع خارجی بازداشت‌شده—از اروپایی تا افغان—به دست‌کم ۹۸ نفر می‌رسد که یا به عبور غیرمجاز متهم شده‌اند یا به عضویت در شبکه‌های اطلاعاتی. بیش از نیمی از پرونده‌ها بر محور «کنترل یا

ساخت ریزپرنده» و «تصویربرداری از مراکز حساس» شکل گرفته؛ نزدیک به یک‌سوم به قاچاق سلاح یا مواد منفجره مرتبط است و بقیه به «جاسوسی سایبری» یا «تبلیغ برای کشور متخاصم» نسبت داده شده است.

پیامدهای حقوقی

به‌جز شش اعدام تأییدشده، گزارش‌ها نشان می‌دهد که بسیاری از متهمان بی‌نام در مکان‌های نامعلوم نگهداری می‌شوند؛ مقامات همزمان با معرفی طرح دوفوریتی «تشدید مجازات جاسوسی» در مجلس تصریح کرده‌اند که برای این گروه‌ها «اشد مجازات» در نظر گرفته خواهد شد. وکلای مستقل به سبب قطع اینترنت و محرمانه‌بودن پرونده‌ها عملاً دسترسی به موکلان خود را از دست داده‌اند، امری که بر نگرانی‌ها درباره رعایت حق دادرسی عادلانه افزوده است.

اختلال اینترنت و حملات سایبری

تحلیل جامع «هرانا» نشان می‌دهد که طی دوازده روز نبرد ایران و اسرائیل، فضای مجازی کشور به‌سان جبهه‌ای مستقل زیر ضربات توأمان «محدودسازی حاکمیتی» و «حملات سایبری برون‌مرزی» قرار گرفت. در این بازه، سه موج پیاپی محدودیت سرعت و دسترسی اعمال شد که اوج آن در بامداد ۲۸ خرداد به قطع سراسری - بزرگترین از آبان ۱۳۹۸ به این سو - انجامید. در کنار این اختلال ساختاری، وبگاه‌های دولتی، سامانه‌های مالی، دانشگاهی و حتی زیرساخت سلامت هدف نفوذهای کم‌سابقه قرار گرفتند و دودستگی میان «مقابله دفاعی» و «اقدامات تنبیهی» را بیش از پیش آشکار ساختند.

روزشمار اختلال و حملات سایبری

۲۳ خرداد | آغاز لرزش شبکه

در نخستین ساعات حملات، کندی محسوس در ترافیک بین‌الملل، از کار افتادن وبسایت‌های دولتی و اختلال در سامانه پیامکی اورژانس ثبت شد؛ نخستین هشدارها درباره نفوذ به درگاه‌های دولت الکترونیک نیز همان روز مخابره شد.

۲۴ خرداد | بار نخست بر سامانه‌های خدمات عمومی

سامانه‌های ثبت‌نام بیمه سلامت، کارت سوخت و خدمات قضایی از دسترس خارج گردید و مرکز ملی فضای مجازی نسبت به «نفوذ اطلاعاتی» هشدار عمومی صادر کرد.

۲۵ خرداد | ورود اختلال به لایه اپراتورهای همراه

کاربران در سراسر کشور از قطع و وصل تماس‌های صوتی، اختلال گسترده در خرید اینترنتی و تلاش برای نفوذ به پایگاه‌داده ثبت‌احوال و سامانه تردهای مرزی خبر دادند؛ نشانه‌ای از تقابل در سطح داده‌های هویتی و مرزی.

۲۶ خرداد | شلیک به زیرساخت شهری

کندی شدید پیام‌رسان‌ها با هک زنجیره‌ای دوربین‌های ترافیکی در تبریز و همدان توأم شد. شبانه، وزیر ارتباطات اذعان کرد «اقدامات دفاعی در حال اجراست»، بی‌آن‌که از ابعاد مسدودسازی سخن بگوید.

۲۷ خرداد | هدفگیری انرژی و حمله ترکیبی

وبگاه رسمی شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی برای ساعت‌ها سقوط کرد. وزیر نفت نخستین‌بار اعلام کرد که «حملات سایبری و فیزیکی درهم تنیده‌اند» و ذخیره‌سازی سوخت اضطراری را به پالایشگاه‌ها ابلاغ نمود.

۲۸ خرداد | خاموشی سراسری و هک پخش زنده

از حوالی ساعت ۲ بامداد، دسترسی کشور به اینترنت جهانی تقریباً به صفر رسید؛ در همان شب، پخش زنده شبکه خبر برای چند دقیقه هک شد و مارش نظامی ناشناس روی آنتن رفت. دولت علت را «دفاع در برابر حملات اسرائیل» عنوان کرد؛ با این حال، ناظران مستقل از «قطع پیشگیرانه با هدف کنترل روایت داخلی» سخن گفتند.

۲۹ خرداد | حمله به وزات انرژی و اختلال بانکی

گروه «گنجشک درنده» مسئولیت نفوذ به وزارت انرژی و فلج کردن شبکه برق کمکی را برعهده گرفت. همزمان، شبکه بانک‌های خصوصی با تأخیرهای پردازش تراکنش روبه‌رو شد و گزارش‌هایی از محدود شدن سقف انتقال وجوه درون‌بانکی منتشر گردید.

۳۰ خرداد | ضربه به بازار رمزارز

بزرگترین صرافی رمزارز کشور هدف حمله سروری قرار گرفت که دست‌کم چند ساعت برداشت و واریز را متوقف کرد و به سرریز شایعات درباره سرقت دارایی‌ها انجامید. همزمان، پنل‌های بیمه و بسترهای آموزشی دانشگاهی با خطاهای احراز هویت مواجه شدند.

۳۱ خرداد | نفوذ به سامانه‌های سلامت و پیامک‌های آلوده

زیرساخت برق اضطراری چند بیمارستان در استان‌های کرمان، گلستان و مرکزی از کار افتاد و پیامک‌های فیشینگ حاوی بدافزار به شکل انبوه پخش شد؛ وزارت بهداشت از «حجم کم سابقه حملات DDoS» به سامانه اورژانس خبر داد.

۱ تیر | حملات DDoS به وزارت بهداشت و اورژانس

قطع و وصل مکرر سامانه ۱۱۵ در تهران و اصفهان، انتقال دستی اطلاعات مصدومان را ناگزیر کرد. ستاد بحران استان‌ها به شبکه بی‌سیم قدیمی بازگشتند.

۲ تیر | نشت داده در بانک ملی

بانک ملی وقوع «نشت محدود اطلاعات مشتریان» را تأیید کرد؛ کارشناسان امنیتی، روشن نبودن دامنه واقعی نفوذ را «نخستین نشانه ریزش اعتماد عمومی» خواندند.

۳ تیر | بازگشت تدریجی اما ناپایدار

با اعلام آتش‌بس، محدودیت‌های سراسری به‌تدریج برداشته شد، ولی تا پایان روز اتصال در بخش‌هایی از سیستان و بلوچستان، کهگیلویه و بویراحمد و حومه کرمانشاه همچنان زیر ۳۰ درصد ظرفیت پیش از جنگ باقی ماند.

پیامدهای چندلایه

یکی از نخستین تبعات، قفل‌شدن سامانه‌های مالی و اختلال در پرداخت حقوق و یارانه‌ها بود؛ همزمان، بنگاه‌های خرد آنلاین عملاً ورشکستگی ناگهانی را تجربه کردند. قطع دسترسی به سرویس‌های مبتنی بر موقعیت، امدادسانی همزمان با حملات فیزیکی را دشوار و در پاره‌ای موارد ناممکن کرد. از منظر حقوقی، غیبت فرایند قضایی شفاف برای اعمال محدودیت و بازداشت بیش از سی فعال فضای مجازی به «اقدامات سایبری»، حفره دیگری در تضمین حق دسترسی آزاد به اطلاعات ایجاد کرد.

سه موج محدودیت پی‌درپی، قطع کامل در ۲۸ خرداد و بیش از ده عملیات سایبری مؤثر علیه انرژی، سلامت و نظام بانکی، تصویری از شکنندگی زیرساخت دیجیتال و غلبه رویکرد امنیتی بر مدیریت بحران ترسیم کرد. بازگشت پایدار اتصال، به‌ویژه در مناطق کم‌برخوردار، اکنون منوط به شفافیت دولتی در نحوه پاسخ به حملات، جبران خسارت کسب‌وکارها و پایان سیاست‌های تنبیهی بر بستر اینترنت است؛ در غیر این‌صورت، فضای مجازی ایران همچنان صحنه تقابل همزمان سانسور، حمله و بی‌اعتمادی خواهد ماند.

واکنش‌های سیاسی و دیپلماتیک

بررسی واکنش‌های بین‌المللی به دوازده‌روزه‌ی نبرد ایران و اسرائیل نشان می‌دهد که از نخستین ساعات درگیری، نوعی اجماع کم‌سابقه شکل گرفت؛ اجماعی که اگرچه در لحن و شدت متفاوت بود، در محور «لزوم خویشتن‌داری، بازگشت فوری به دیپلماسی و حفاظت از غیرنظامیان» هم‌صدایی داشت. دولت‌ها، سازمان‌های منطقه‌ای و نهادهای جهانی، در بیانیه‌هایی نزدیک به هم، حمله یا تداوم آن را محکوم یا دست‌کم مایه «نگرانی جدی» توصیف کردند و هشدار دادند که گسترش جنگ می‌تواند ثبات خاورمیانه و امنیت بین‌المللی را به مخاطره اندازد.

روزهای نخست؛ محکومیت و دعوت به خویشتن‌داری

هم‌زمان با موج اولیه حملات، کشورهای چوون بریتانیا، آلمان، ژاپن، استرالیا، روسیه، عربستان سعودی، عمان، عراق، اردن و چین، در کنار دبیرکل سازمان ملل و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، به‌صراحت یا تلویح از تشدید تنش‌ها ابراز نگرانی کردند و بر «ضرورت خویشتن‌داری و بازگشت به میز مذاکره» پای فشرده‌اند. فارغ از اختلافات سیاسی، همه این بازیگران بر یک محور مشترک تأکید داشتند: جلوگیری از سرایت درگیری به کل منطقه و پرهیز از آسیب به غیرنظامیان.

تداوم حملات؛ گسترش جبهه انتقاد و تمرکز بر حقوق غیرنظامیان

در میانه هفته نخست، طیفی تازه از واکنش‌ها شکل گرفت: وزارت خارجه قطر، سازمان همکاری اقتصادی (اگو) و سپس ۲۱ کشور عربی و اسلامی—از الجزایر تا سودان—با صدور بیانیه‌هایی هم‌صدا شدند. آنان، افزون بر محکومیت حملات یا ابراز نگرانی، خواستار تضمین دسترسی به کمک‌های بشردوستانه و رعایت کامل حقوق غیرنظامیان شدند؛ خواسته‌ای که در ادبیات دیپلماتیک، مؤید خطر بالقوه نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه است.

ورود بازیگران منطقه‌ای به میدان میانجیگری

همزمان با افزایش تلفات و تخریب زیرساخت‌ها، مسکو و آنکارا کوشیدند ابتکار دیپلماتیک خود را طرح کنند. سخنگوی کرملین اعلام کرد که روسیه با هر دو طرف در تماس است و «پیشنهاد میانجیگری پیشین» همچنان معتبر است. رجب طیب اردوغان نیز در تماس تلفنی با رئیس‌جمهور ایران، آمادگی ترکیه را برای «تسهیل بازگشت به مذاکرات هسته‌ای و مهار درگیری» اعلام کرد؛ نشانه‌ای از تلاش بازیگران منطقه‌ای برای پرکردن خلأ موجود در دیپلماسی چندجانبه.

نقش‌آفرینی نهادهای حقوق بشری و سازمان ملل

از نیمه دوم درگیری، لحن بیانیه‌ها تندتر شد. بیست سازمان حقوق بشری بین‌المللی در بیانیه‌ای مشترک، حملات هوایی اسرائیل را «نقض فاحش حقوق بشر دوستانه» و «احتمال جنایت جنگی» خواندند و خواستار آتش‌بس فوری و تحقیقات مستقل شدند. در موازات آن، هیئت حقیقت‌یاب سازمان ملل حمله به مجتمع مسکونی در تهران و سپس حمله به زندان اوین را به‌عنوان «نقض اصل تمایز میان اهداف نظامی و غیرنظامی» برجسته کرد و دفتر حقوق بشر سازمان ملل صراحتاً حمله به اوین را «نقض فاحش قوانین بین‌المللی» دانست.

جمع‌بندی؛ اجماع شکننده اما فراگیر

اگرچه مواضع ارائه‌شده کمابیش هم‌راستا بود، تفاوت در لحن—از محکومیت صریح تا ابراز «نگرانی عمیق»—نشان می‌دهد که صف‌بندی‌های ژئوپولیتیکی همچنان در ادبیات دیپلماتیک انعکاس دارد. با این حال، محور مشترک تقریباً تمامی واکنش‌ها، پرهیز از گسترش جنگ و حفظ جان غیرنظامیان بود؛ محوری که به‌ویژه در بیانیه‌های حقوق بشری و گزارش‌های کارشناسی سازمان ملل به صراحت بازخواست حقوقی نیز انجامید. در روز یازدهم، کمیساریای عالی حقوق بشر و صلیب سرخ خواستار دسترسی فوری به زندان اوین شدند.

سرانجام، در بامداد روز دوازدهم، با میانجی‌گری رئیس‌جمهور آمریکا، قطر و دبیرکل سازمان ملل، توافق آتش‌بس اعلام و از ساعت ۰۰:۳۰ اجرا شد.

تحلیل حقوقی اولیه – نگاهی به نقض‌های احتمالی

در پی دوازده روز درگیری مسلحانه میان ایران و اسرائیل (۱۲ تا ۲۴ ژوئن ۲۰۲۵)، شواهد گردآوری‌شده نشان می‌دهد که الگوی حملات هوایی و موشکی اسرائیل در بسیاری از موارد با الزامات مندرج در مواد ۴۸، ۵۱ و ۵۷ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو همخوانی نداشته است. بر اساس این مواد، طرفین موظف‌اند همواره بین اهداف نظامی و جمعیت یا اشیاء غیرنظامی تمایز قائل شوند، از حملات بی‌ضابطه یا نامتناسب خودداری کنند و تمامی احتیاط‌های ممکن را برای کاهش آسیب به غیرنظامیان—از جمله صدور هشدارهای مؤثر پیش از حملات—بکار گیرند. با این حال، هدف قرار دادن مکرر مناطق مسکونی در تهران، تبریز و کرمانشاه، بمباران زندان اوین، و تأثیر آن بر دستکم ۹ مرکز درمانی و ۶ پایگاه اورژانس، نشان‌دهنده ناتوانی سیستماتیک در رعایت اصول تمایز و تناسب است.

طبق داده‌های میدانی هراتا، در طول این دوره زمانی، ۵۶۶۵ قربانی (شامل ۱۱۹۰ کشته و ۴۴۷۵ مجروح) در ۲۸ استان ثبت شده‌اند؛ از این میان، دستکم ۴۳۱ غیرنظامی—از جمله ۶۵ کودک و ۴۹ زن—کشته و بیش از دو هزار غیرنظامی مجروح شده‌اند. این آمار، به‌همراه مرگ دستکم هشت امدادگر و پزشک و تخریب یا آسیب شدید به آمبولانس‌ها و زیرساخت‌های درمانی، به‌وضوح نقض ممنوعیت حمله مستقیم به غیرنظامیان و اشیاء غیرنظامی را نشان می‌دهد.

تحلیل اهداف ثبت‌شده نشان می‌دهد که ۶۲٪ از اهداف مورد حمله، کاربری دوگانه یا ماهیت نامشخص داشته‌اند، تنها ۱۶٪ به‌طور کامل غیرنظامی و ۲۲٪ آشکارا نظامی بوده‌اند. چنین توزیعی، احتمال حملات فاقد رعایت اصل تفکیک و تناسب را تشدید می‌کند. Comprehensive report on 12 days of Iran-

حمله ۲۳ ژوئیه به زندان اوین—که منجر به مرگ یک پزشک، تخریب درمانگاه، اختلال در ارتباطات و مرگ دو غیرنظامی غیرزندانی شد—نه تنها با تعهد تمایز مغایرت داشته، بلکه دسترسی خانواده‌ها به اطلاعات و امکان ملاقات را برای چندین روز به‌طور کامل مختل کرد.

با توجه به گستره و شدت خسارات—از تخریب زیرساخت‌های انرژی و حملات سایبری گرفته تا بازداشت دست‌کم ۳۰۱ شهروند به‌دلیل انتشار محتوا یا “اخلال در افکار عمومی”—سازمان‌های حقوق بشری خواستار انجام تحقیقات بی‌طرفانه، تضمین دسترسی بشردوستانه و پاسخ‌گویی کیفری برای ناقضان شده‌اند. مجموعه فعالان تأکید کرده که تداوم بی‌توجهی به اصول بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه—به‌ویژه حملات بی‌ضابطه و نامتناسب—می‌تواند مصداق جنایات جنگی تلقی شود.

تأکید بر رعایت الزامات بشردوستانه

با پایان درگیری‌ها و آغاز آتش‌بس، اولویت‌های بشردوستانه فوری باقی‌مانده‌اند:

حفاظت از غیرنظامیان و زیرساخت‌های حیاتی – تخریب گسترده پالایشگاه‌ها، شبکه‌های برق و مراکز درمانی، در کنار جابجایی داخلی و کمبود کالاهای اساسی، نیازمند اقدامات فوری بازسازی و جبران خسارات است.

تضمین دسترسی ایمن و مؤثر بشردوستانه – قطعی‌های مکرر اینترنت، خرابی جاده‌ها و صف‌های طولانی سوخت، تلاش‌های امدادی را به‌شدت مختل کرده‌اند؛ هر دو طرف باید گذرگاه‌های بشردوستانه و ایمنی امدادگران را تضمین کنند.

رعایت حقوق بازداشت‌شدگان و آزادی بیان – موج بازداشت‌های امنیتی و محدودیت‌های ارتباطی، خطر نقض حق دادرسی عادلانه را افزایش داده است. آزادی فوری بازداشت‌شدگانی که صرفاً به‌دلیل ابراز نظر یا پوشش خبری رویدادها زندانی شده‌اند، مطابق با تعهدات بین‌المللی ضروری است.

تحقیقات مستقل و پاسخ‌گویی کیفری – تعداد بالای قربانیان، حملات به مراکز درمانی و زندان اوین، و استفاده از سلاح‌های پر قدرت در مناطق پر جمعیت، نیاز فوری به تحقیقات بی‌طرفانه و مستقل درباره احتمال وقوع نقض‌ها را ایجاب می‌کند.

مجموعه فعالان بار دیگر بر تعهد خود نسبت به مستندسازی مداوم و تحلیل حقوقی تأکید کرده و خاطرنشان می‌کند که پایان آتش‌کشودن، پایان مسئولیت‌های حقوقی طرفین نیست؛ بازسازی، جبران خسارات و تضمین عدم تکرار باید در مرکز توجه جامعه جهانی و تمامی بازیگران مرتبط باقی بماند.

***دوازده روز زیر آتش: گزارش جامع خبرگزاری هرانا از جنگ ایران و اسرائیل.**